

نبرد خاموش در سایه چاه‌ها؛ پشت‌پرده امتیاز نفت شمال

۲۵ آذر ۱۴۰۴ ساعت ۲۲:۰۱

پشت تقاضای شوروی برای امتیاز نفت شمال، منافع اقتصادی بزرگی پنهان نبود؛ آنچه کرملین در پی‌اش بود «نفوذ» بود، نه نفت. شمال ایران برای مسکو سپری در برابر غرب به‌شمار می‌رفته؛ میدانی که هر بشکه نفت، بوی سیاست و توازن قوا می‌داد.

ایران به واسطه‌ی موقعیت راهبردی و داشتن منابع طبیعی بسیار هیچ‌گاه از چشم طمع قدرت‌های خارجی دور نبوده است. وسعت بسیار و داشتن منابع عظیم نفت و گاز هر ابرقدرتی را به طمع می‌اندازد که به دنبال گرفتن امتیاز اقتصادی و سیاسی از ایران باشد. یکی از امتیازهایی که در ابتدای سلطنت محمدرضا شاه مطرح شد و در نهایت به نتیجه نرسید امتیاز نفت شمال بود. مسئله امتیاز نفت شمال از آغاز دوران سلطنت ناصرالدین شاه و واگذاری بخش محدودی از شمال ایران به محمدولی خان تنکابنی یعنی حوالی تنکابن و کجور همواره محل نزاع بود. به خصوص از مقطعی که پای خوشترایای گورجی تبار به این منطقه باز شد و تا پایان جنگ دوم جهانی ادامه و حتی بعد از آن این موضوع به شکل یک چالش ادامه پیدا کرد.^[۱]

روس‌ها به دنبال توازن قوا

با این حال، آنچه به موضوع شدت بخشید و آن را در فضای سیاسی ایران بیش از پیش و به صورت جدی مطرح کرد اشغال ایران به وسیله‌ی نیروهای متفقین و عدم خروج روسیه از برخی از این مناطق بود. آنچه در اینجا بسیار مهم به نظر می‌رسد این است که موضوع امتیاز نفت شمال و طرح آن از طرف روس‌ها در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم و پس از آن، بیش از آنکه از زوایه اقتصادی نگریسته شود، از جنبه سیاسی و نیز در راستای رقابت شوروی با دولت انگلستان و نیز آمریکای تازه وارد قابل بررسی و ارزیابی است. به عبارت دیگر، روسها برای گرفتن امتیاز نفت شمال بیش از آن که به دنبال اهداف اقتصادی باشند، ژئوپلیتیک منطقه و توازن قوا با رقبای غربی خود را مدنظر داشتند. در واقع، ایجاد منطقه‌ی نفوذ در شمال برای روس‌ها دست این کشور را در برابر قدرت‌های رقیب باز می‌گذاشت و توازن قوا را برای آن‌ها تضمین می‌نمود.^[۲]

امتیاز نفت شمال در برابر نفت جنوب

اگر بخواهیم کمی به عقب‌تر بازگردیم باید گفت بهره‌برداری انگلستان از نفت جنوب ایران روس‌ها را به شدت نگران کرده بود. با این حال، تحولات جنگ اول جهانی و وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه رهبران این کشور را مشغول تحولات داخلی کرد و فرصت اقدام عملی مهمی برای رقابت در این عرصه با انگلیس را به روس‌ها نداد. اما تمدید قرارداد داری در دوران رضا شاه که بعد از

پنج سال مذاکره به دست آمد و برای شصت سال دیگر نفت ایران را در اختیار انگلستان قرار داد روس‌ها را در خشم و بهت فرو برد و آن‌ها را برای گرفتن امتیاز نفت شمال مشتاق‌تر کرد. آنچه فرصت را برای آن‌ها فراهم کرد حوادث منتهی به جنگ دوم جهانی بود. در واقع با اشغال شمال ایران توسط قوای روسیه در جنگ دوم جهانی این بستر فراهم شد تا روس‌ها امتیاز نفت شمال را مطالبه کنند. به خصوص که استالین پیش‌بینی می‌کرد که در صورت تسلط کامل آمریکا و انگلستان بر این امتیاز نفت شمال در اختیار بلوک غرب قرار خواهد گرفت و این مسئله به لحاظ ژئوپلیتیک در فضای نظام دو قطبی خطری امنیتی به شمار می‌رفت.^[۳]

امتیاز نفت جنوب شرقی ایران

موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا کرد که آمریکایی‌ها برای منابع نفت جنوب شرقی ایران خواستار امتیاز شدند. هنگامی که در اسفند سال ۱۳۲۲ ش شرکت‌های نفتی انگلیسی-آمریکایی یعنی سوکونی واکيوم و سینکیر آمریکایی و نیز شرکت انگلیسی-هلندی داچ شل، خواستار امتیاز نفت جنوب شرقی ایران شدند و به صورت محرمانه با مقام‌های رسمی ایران از جمله ساعد نخست وزیر وقت مذاکراتی را آغاز کردند روس‌ها به شدت به آن واکنش نشان دادند.^[۴]

درخواست امتیاز نفت شمال از سوی روس‌ها

شوروی که از فعالیت شرکت‌های غربی در ایران بیم داشت پس از آن که از طریق عوامل خود در جریان مذاکرات قرار گرفت، در شهریور ۱۳۲۳ ش سرگی کافتارادزه معاون گرجی تبار وزارت خارجه شوروی را برای دریافت امتیاز نفت شمال به تهران گسیل کرد. کافتارادزه که به شدت به منافع روس‌ها می‌اندیشید بعد از ارزیابی مناطق شمالی کشور از دولت ایران درخواست کرد که امتیاز استخراج نفت برخی از استان‌های شمالی را به شوروی واگذار نماید. برخورد او با مقام‌های ایران بسیار تحکم آمیز بود زیرا که خاک ایران در اشغال نیروهای شوروی بود. شدت برخورد مسکو با این مسئله به حدی بود که شاه بعدها اذعان کرد: «ما خود را به روبه‌روی یک پیشنهاد روسی دریافتیم که به اندازه‌ای تند بود که به یک فرمان شباهت داشت».^[۵]

واکنش دولت ایران

دولت‌های ایران از همان زمان ابتدای مطرح شدن مسئله امتیاز نفت در شمال و با تجربه‌ای که شرکت نفت انگلیس در ایران برای سال‌ها برجای گذاشته بود، مخالف واگذاری نفت شمال به روس‌ها بود. دلیل آن هم بسیار روشن بود زیرا واگذاری این امتیاز موجب تشدید رقابت‌ها و گسترش سلطه سیاسی-امنیتی قدرت‌های بزرگ در ایران می‌شد و استقلال کشور را به شدت زیر سؤال می‌برد.

شرایط بین‌المللی و حساسیت مردم ایران نسبت به واگذاری امتیاز به بیگانه به خصوص روس‌ها و تنفیری که از اشغال ایران در میان مردم، مجلس و نیز افکار عمومی وجود داشت، ساعد نخست‌وزیر وقت ایران را واداشت به رغم برخی مماسات اولیه با کافتارادزه، در مجلس به صراحت اعلام کند: «هیئت دولت تصمیم گرفته است که موضوع اعطای امتیاز نفت، تا خاتمه جنگ جهانی و معلوم شدن وضعیت اقتصادی جهان مسکوت ماند».^[۶]

با این حال، او نیز نتوانست ماجرا را خاتمه دهد و کار به دوران نخست وزیری قوام کشید. در این دوران بود که قوام با یک ترند سیاسی و در چارچوب رقابت ابرقدرت‌ها توانست ماجرا را خاتمه دهد و بدون این که روس‌ها امتیاز خاصی نصیبشان شوند مجبور شدند خاک ایران را برای همیشه ترک کنند.

منابع:

[۱] مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، تهران، نشر پیام، ۱۳۵۸، ص ۳۲۶.

[۲] حمید شوکت، در تیررس حادثه، تهران، اختران، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲.

[۳] عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران: ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران، البرز، ۱۳۴۷، چ دوم، ص ۹۲.

[۴] همان

[۵] <http://pahlaViha.pchi.lv/show.php?page=contents&id=۷۳۵۱>

[۶] ناصر نجمی، دولت‌های ایران از کودتای ۱۲۹۹ تا آذرماه ۱۳۵۸، ناشر مولف، ۱۳۷۱، ص ۶۶۳.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۵۰۲۷۴/شمال-نفت-امتیاز-پرده-پشت-ها-چاه-سایه-خاموش-نبرد>